



۱۴

آنفلوآنزا سوار بر موج دوم

شکار شهاب سنگ در جنوبگان

۱۵



خانه بدوشانی که غم سیلاب دارند

زندگی

دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۸ : شماره ۵۵۸۱



۱۶

۱۳
جاذبه

شمارش معکوس برای

سریاشدن پلاسکو

پلاسکو بعد از سوختن همه کارش با تاخیر پیش رفت، حتی آوارش دیر تخلیه شد و پیدا شدن اجساد زیر آوار مانده هایش جان به لب رساند. با همین دست فرمان، پلاسکو دیر تعیین تکلیف شد و زمان برد تا مشخص شود بالاخره برایش چه تصمیمی دارند، حتی نقشه های ساختمان جدید پلاسکو دیر آماده شد و اختلاف نظر شهرداری و بنیاد مستضعفان نیز بر سر مبلغ عوارض ساخت مجدد پلاسکو دیر حل شد. همه این دیر شدن ها باعث شده حالا جای خالی پلاسکو در خیابان جمهوری تهران دیده شود نه آن ساختمان نوساز و آتچنانی که مسئولان در زمان داغی حادثه وعده دادند دو ساله ساخته شود و برسد به دست صاحبانش. یکی از گرّه های کار در این مدت موضوع عوارض ساخت مجدد پلاسکو بود؛ عوارضی که شهرداری منطقه ۱۳ اصرار به دریافتش داشت ولی کمیسیون ماده ۵ شهرداری شهرپور سال ۹۷ رای داده بود که باید رایگان صادر شود.



غائله عوارض نیز البته بالاخره حل شد ولی بازهم دیر و توافق شد شهرداری پروانه ساخت را صادر کند و مبلغ قطعی را در حساب و کتاب هایش با بنیاد وارد کند به نحوی که اگر شورای شهر تهران این عوارض را بخشید، بدهی بنیاد بابت پلاسکو حذف شود و اگر شورا موافقت نکرد، مبلغ عوارض به عنوان بدهی در حساب و کتاب های میان شهرداری و بنیاد درج شود.

بعد از تعیین تکلیف شدن این موضوع حالا فقط نوبت ساخت مجدد پلاسکوست که رئیس بنیاد مستضعفان وعده داده سال ۹۹ به پایان برسد؛ چراکه به گفته او حالا دیگر هیچ اختلافی میان بنیاد، میراث فرهنگی و شهرداری تهران وجود ندارد و طرح تکمیل است و پول ها نیز پرداخت شده است. پرویز فتاح قول داده که پلاسکو محکم تر از قبل و با رعایت همه اصول بین المللی ساخته شود، همچنین طراحی و نمای آن متناسب با فضای جامعه دارای الگویی ایرانی-اسلامی باشد. طبق اعلام فتاح برای ساخت پلاسکو برنامه زمان بندی وجود دارد به طوری که تا پایان بهمن امسال اسکلت ساختمان تکمیل می شود، تا پایان اسفند سقف ساختمان زده می شود و تا پایان فروردین ۹۹ نیز دیوارچینی ها انجام می شود.

ساخت یادمان شهدای آتش نشان نیز جزو برنامه های پلاسکو است؛ یادمانی که قرار است مقابل ساختمان و با هدف پاسداشت جانفشانی آتش نشان های این حادثه و زنده نگه داشتن یاد و نام آنها ساخته شود، یادمانی که به گفته فتاح البته نباید حقوق کسبه را مخدوش کند و دید پلاسکو را از بین ببرد.

ساختمان پلاسکو تهران که قدیمی ترین آسمانخراش خاورمیانه بود، ۳۰ دی ۹۵ دچار ۹۵ ساعت و نیم سوختن فرو ریخت



پلاسکو هنوز می سوزد

رنج کسبه ساختمان پلاسکو ۳ سال بعد از آتش سوزی همچنان ادامه دارد



راننده آژانس های اینترنتی و رحمان اضافه می کند که عده ای درگیر و دار فرو ریختن پلاسکو و بعد هم هوار شدن مشکلات، سکنه کرده اند و مرده اند. رحمان مطمئن است این بالا حداقل سر ۲۰ نفر آمده و می گوید کاسب که نتواند کاسبی کند، دق می کند.

آخرین کسی که دق کرد و مُرد سی ام دی ماه پارسال بود؛ مردی که آمده بود به تماشای پلاسکو ویران بود؛ لاتکلیف و معلوم نیست پیش خودش چه فکر و خیال هایی کرده بود که همانجا کنار خیابان قلبش گرفت و روحش پرکشید. پلاسکویی هایی که در نور تهران مانده اند نیز تا مرز دق کردن رسیده اند. اینها غصه پیمیز می کنند و نگرانی می فرستند به سلول های بدنشان. رحمان کیسه ای را باز می کند و مشتی چک برگشتی را می چپند روی میز و توضیح می دهد که در این سه سال هی جنس فروخته اند و از مشتری ها چک بی محل گرفته اند که می شود بیش از ۱۱۰ میلیون تومان طلب. رحمان و برادرش چهار خانواده را خرج می دهند و در این سه سال هرچه داشته اند و نداشته اند پول کرده اند و اقساط بانک را داده اند و حالا که کم آورده اند چشم امیدشان به پلاسکویتان تمام است.

شهرداری تهران در این سال ها چند بار جلوی ساخت پلاسکو را گرفته، بهانه نیز گرفتن پروانه ساختمانی و عوارض ساخت بوده که بنیاد مستضعفان باید می پرداخته، رقم درشت ۴۰۰ میلیارد تومان که در این سه سال محملی برای کشمکش میان این دو نهاد و خودخوری پلاسکویی ها بوده است. رحمان می گوید، برای این که ماموران شهرداری شبانه کار ساخت وساز را متوقف نکنند، او و چند نفر دیگر نوبتی کشیک می داده اند که در آخرین کشیک يك خفت گیر به پستشان می خورد و با او که گلاویز می شوند چاقویی می خورد به ران یکی از پلاسکویی ها و بالا تا پایین را می شکافد.

پلاسکویی ها می گویند، بنویس که مازاد بر همه این رنج ها، فشارهای مالیاتی و بیمه ای نیز دارد خفه مان می کند، بیمه که گوشش بدکار نیست و حق بیمه ها را سر وقت می خواهد، اداره مالیات هم باورش نمی شود کسب و کارها خوابیده است. حاج رضا به رقم مالیاتی اش اعتراض کرده و منتظر تخفیف است و علی درآمدش را صفر در کرده. رحمان یار دیگر سندن رومی کند و فاکتورهای فروش را نشان می دهد؛ آخرین فروش او مربوط است به ۱۷ روز قبل که ۱۸ شلوار بوده، بعد از آن هم پرزده در این مغازه پرزده است.

امروز ۱۰۹۵ روز است که تهران پلاسکو ندارد، يك سال است که آن مرد نیز که قلبش از شدت اندوه گرفت و کنار خیابان جمهوری جان داد در آرامگاه ابدی است اما خدا می داند امروز در سومین سالگرد پلاسکو نوبت کیست.

حرف است، اهل رنق زن نیست، مرد امیدواری هم هست برای همین چشم دوخته به ساخته شدن دوباره پلاسکو، به پلاسکویی که فعلا چند تیراکن رو به آسمان است و تا به حال بر سرش کلی دعوا و کشمکش شده، از آن دعوای دولتی که تمامی ندارد. حاج رضا پیراهن مردانه می فروشد، از آن پیراهن های جعبه دار که مخصوصا عیدها مشتری دارد ولی يك ماه است هیچ کسی برای خرید پا به مغازه حاج رضا نگذاشته؛ دخل این مرد خالی است.

او تسبیح می چرخاند و از کساد ی بازار می گوید، از این که سرمایه ای ندارد که مثل دیگرانی که رفتند از نور تهران برود و کسب و کاری بهتر دست و پا کند، از این که اجاره ماهانه مغازه و قسط های آن وام ۶ میلیون تومانی را نمی داند از کجا بیاورد با این کسب بی رونق و دخل خالی. رحمان و برادرش چند مغازه آن طرف تر دارند تلویزیون تماشا می کنند. حال دل اینها خوب نیست گرچه دارند صورت را با سیلی سرخ نگه می دارند. رحمان که حرف می زند مدام سندن نشان می دهد تا حرفش باور کردنی شود، سندن این که بابت وام ۴ درصدی ۸۶ میلیونی، ماهی دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومان قسط می دهند، این که ۵۰۰ میلیون تومان شان در آتش سوزی پلاسکو سوخت شده و آنها لاچرم ۶۰۰ میلیون تومان وام ۱۸ درصدی گرفته اند به قرار هر ماه ۲۴ میلیون تومان قسط؛ این که تا امروز با هر بدبختی که بوده برای حفظ آبرویشان حتی آپارتمان و طلاهای زن و بچه را فروخته و قسط داده اند و از این که دیگر نمی توانند و کفگیرشان به ته دیگ رسیده. پویا اسم وام ۳۰۰ میلیونی که می آید دست چپ را می کشد روی دست راست و می گوید دارند با بهره ۱۸ درصدی پوستمان را می کنند، سهراب هم وارد بحث می شود و می گوید اینها وام نیست، دام است.

درد چك های برگشتی، زخم مالیات

حوصله آدم در مجتمع نور تهران سر می رود و يك جور خواب آلودگی عارض انسان می شود؛ مردم از کنار مجتمع رد می شوند و از هر صد نفر يك نفر هم داخل نمی شود. علی و رحمان و حاج رضا و دیگرانی که اینجا مانده اند یا از سر ناچاری بوده یا از سر امید به این که پلاسکو بالاخره ساخته می شود، البته همه کسانی که تا امروز دوام آورده و مانده اند يك نقطه مشترک دارند که همان وام ۸۶ میلیون تومانی با بهره ۴ درصد است که شرط تعلق گرفتنش به پلاسکویی ها ماندن در نور تهران بوده است.

عده ای اما با این حال تاب نیاورده و از اینجا رفته اند، رفته اند جایی در بازار تهران، منوچهری، مرکز تجارت جهانی و جاهای دیگر که لااقل پای مشتری به آنها می رسد. حاج رضا اما می گوید برخی از پلاسکویی ها که قبلا صاحب مغازه بوده و کیا و بیایی داشته اند حالا شده اند کارگر تولیدی ها و علی می گوید خیلی ها شده اند

دل تقویم، دل برگه سی ام دی ماهش سه سال است می لرزد مثل پلاسکو که لرزید و فرو ریخت، مثل مغازه هایی که خاکستر شد، پارچه هایی که دود شد و به هوا رفت، سرمایه هایی که بخار شد و از دست رفت، مثل لحظه آخر عمر آدم هایی که زیر آوار با هزار جان کندن برای زنده ماندن در عین ناباوری مردند و مثل آتش نشان ها که از پس کلی دعای خیر و تسبیح گرداندن و ذکر گفتن آدم های چشم انتظار مظلومانه جان دادند.

دل خیابان جمهوری پر است، چهارراه استانبول کلی بغض در گلو دارد؛ جای پلاسکویی که نیست، جای ساختمانی که سوخت و صدها خانواده را سوزاند گر دارد هنوز يك عالم شعله نامرئی، يك دنیا دود و آه و حسرت و فغان هنوز بعد از سه سال در خیابان جمهوری پراکنده است، جایی که دیگر پلاسکو نیست، جایی که مشتی تیراکن و دیوارهای فلزی برای استتار دارد و نقاشی چند آتش نشان رویش کشیده اند؛ نقاشی های جگرسوز که بوی مرگ و يك عالم خاطره بد می دهند.

فوقانی ترین طبقه می شود بی رونقی مجتمع را به خوبی دیده؛ انگار خاك مرده پاشیده اند اینجا. پلاسکویی ها را بعد از فرو ریختن ساختمان و متلاشی شدن چرخه اقتصادی پلاسکو آوردند به نور تهران و در طبقات مختلف پخش کردند، آن زمان ۶۰۰ پلاسکویی، ولی حالا در سومین سالگرد این حادثه يك ششم این تعداد نیز نمانده اند و اغلب کوچ کرده اند. علی و شریکش اما هنوز در نور تهرانند در مغازه ای با ماهی سه میلیون تومان اجاره و قفسه هایی که چکی روی دیوار آویزان شده اند و مانکن هایی که قسطی آمده اند به مغازه.

آتش سوزی پلاسکو اینها را صفر کرد، حتی برد زیر صفر و مقروضشان کرد، ۶۰۰ میلیون تومان جنس علی و شریکش در آتش سوخت و مغازه شان در ریزش ساختمان نابود شد. علی را در طبقه سوم نور تهران جا داده بودند، در یکی از همان راهروهای بی رونق، در مغازه ای که پرزده در آن پر نمی زد و پشت دخلش چاره ای جز مکس پراندن نبود. علی کوچ کرد و آمد به طبقه همکف، جایی که بازهم پرزده پر نمی زند و مشتری هایش تك و توك است.

حاج رضا دارد تسبیح می گرداند و ذکر می گوید، سماوریش هم روی درجه اتومات گرم است و مدام خاموش و روشن می شود. چشم های حاج رضا بی حالت است، مثل کسی که دارد از تنهایی رنج می برد. او نیز یکی از مالباخته های پلاسکوئی فرو ریخته است با ۲۰۰ میلیون تومان جنسی که سوخت و نابود شد. حاج رضا کم



مریم خباز

جامعه

پلاسکو که فرو ریخت، اولین آسمانخراش خاورمیانه که از هم پاشید، لشکر لباس فروش ها و دزدنده های مردانه پلاسکو نیز متلاشی شد. این لشکر شکست خورد، کمرش شکست، تا بیخ استخوان سوخت، بعد هم مثل پنبه حال می شده اینجا و آنجا پراکنده شد. دل تقویم، دل برگه سی ام دی ماه از سال ۹۵ تا امروز می لرزد، سه سال پیش يك جور و الا ن يك جور، يك بار با صدای گوشخراش و ناامیدکننده فرو ریختن پلاسکو که هزاران امید و آرزو را دفن کرد و بعد هم با پس لرزه های پس از ریزش، با دانیایی از یاس، دلهره و گرفتاری.

این داستان پلاسکوست، ساختمانی که نان صدها خانواده را می داد و چراغ هزاران تولیدی را روشن نگه می داشت ولی حالا بازماندگان و مالباخته هایش در بازار راگدوبی رونق این روزها در به در دنبال بقا می گردند.

پرنده پر نمی زند

مجتمع «نور تهران» پر نور نیست، حتی تاریک است و حس تعطیل بودن را القا می کند؛ نور تهران اما تعطیل نیست. پایین تر از میدان ولیعصر و نبش خیابان طالقانی در زمینی ده هزار متری، ۱۳۷ واحد تجاری که در چند طبقه، روی هم ۷۰ هزار متر را اشغال کرده اند از سه سال پیش شده است محل کسب کسبه پلاسکو. نور تهران اما تقریبا خالی است و راهروهایش حس ترس يك جای متروک را دارد. این حس در طبقات بالاتر تشدید می شود و از

حق با
شماست

info@amejandaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۷

#پارك_دوبل

رجبی از تهران:

با وجود باریک بودن خیابان سلیمانی شرقی در منطقه چیدر قیطریه، برخی خودروها اقدام به پارك دوبل می کنند و این موضوع باعث ترافیک و حرکت کند خودروها می شود.

#جارجود_سرعت

لطیفی از تهران:

محدودیت سرعت حداکثر ۶۰ کیلومتر در ساعت بعد از جاده جارجود به سمت تهران، باعث ایجاد ترافیک و کندی حرکت خودروها می شود. از پلیس راهور درخواست تجدید نظر در این محدوده دارم.

#بازسازی_خرانه

ابراهیمی از تهران:

از شهرداری منطقه ۱۶ درخواست می شود هر چه زودتر طرح بهسازی فلکه های اول و دوم خرانه را که علاوه بر بهبود عبور و مرور، امنیت پیاده را تضمین می کند به اتمام برساند.

#لاستیک_گرانی

خدایی از تهران:

قیمت لاستیک خودروهای سبک و سنگین بسیار گران است و حتی واردات لاستیک نیز کمکی به کاهش قیمت آن نکرده است.

#وام_مسکن

اکرامی از تهران:

نه تنها مبلغ وام مسکن اولی افزایش پیدا نکرد بلکه مبنای سن خرید خانه نیز تغییری نکرد و همان حداکثر ۱۵ سال ملاک است.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز سه شنبه ۱۳۹۸/۰۷/۰۷ با عنوان «آسفالت نامناسب»، مشاور ریاست و مدیر روابط عمومی سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای و وزارت راه و شهرسازی با ارسال نمابری اعلام کرد: به استحضار می رساند در محدوده تونل امامزاده هاشم به سمت تهران، علاوه بر عملیات راهداری جاری و مستمر که در طول سال و به صورت پیوسته انجام می گیرد، لکه گیری موضعی و چاله پرکنی نیز انجام می شود. با این حال قراردادی هم برای لکه گیری و روکش آسفالت با پیمانکار منعقد شده که پس از بهبود نسبی وضعیت هوا و شرایط جوی و امکان انجام عملیات آسفالتی، فعالیت اجرایی پروژه آغاز خواهد شد.